

تحلیل عوامل مؤثر بر الگوی فضایی مشارکت سیاسی در انتخابات شورای شهر (مورد مطالعه: قائمشهر)

عامر نیک پور (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، نویسنده مسئول)

a.nikpour@umz.ac.ir

مصطفی صفایی رینه (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

safaie@ut.ac.ir

چکیده

بررسی آراء نامزدهای انتخاباتی و عوامل مؤثر بر آن یکی از موضوعات مطرح در جغرافیای انتخابات است. تصمیم سیاسی رأی‌دهندگان در مناطق مختلف و شناسایی عوامل مؤثر بر آن را می‌توان در قالب تحلیل الگوی فضایی مشارکت سیاسی مورد مطالعه قرار داد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و تحلیل‌های فضایی براساس نتایج دو دوره اخیر انتخابات شورای شهر در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، جمعیت واجد شرایط قائمشهر در ۵ دوره اخیر افزایش قابل توجهی داشته، اما میزان مشارکت مردم و نسبت آرای متخین به کل روبه کاهش بوده است. طبق نتایج، الگوی مشارکت گروه سنی ۳۰ تا ۴۴ سال بیشتر از سایر گروه‌های سنی به الگوی توزیع فضایی آراء نزدیک است، همچنین با مطابقت نقشه توزیع آرای باطله و پراکندگی سطح سواد مشخص شده در محلاتی که سطح سواد بالاتری وجود دارد، آراء باطله بیشتری به صندوق‌های رأی سرازیر شده است. در محلات فقیر مشارکت سیاسی بالاتر بوده و در محلات جنوبی نیز با توجه به سکونت جمعیت مهاجر، مشارکت کمتری دیده می‌شود. در مجموع، الگوی فضایی آراء متخین به صورت خطی و از جنوب غربی به شمال کشیده شده که تمرکز قابل ملاحظه‌ای در بخش میانی آن مشاهده می‌شود، این امر نشان می‌دهد متخین شهر بیشتر حاصل انتخاب افراد ساکن در نواحی مرکزی شهر بوده و الگوی فضایی آراء آنها از پراکنش مناسب برخوردار نمی‌باشد.

کلید واژه: الگوی فضایی، مشارکت سیاسی، انتخابات شورای شهر، قائمشهر

۱. مقدمه

انسان اجتماعی برای داشتن نظام حکومتی مورد قبول خود نیازمند مشارکت سیاسی بوده و لذا، بدون حضور فعال در عرصه سیاست، جایگاه مورد نیاز خود را نمی‌یابد. مشارکت، برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه افزایش درک و توان آنها برای پاسخگویی به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است (Jafarinia, 2011). یکی از اولین و ساده‌ترین شکل آن، مشارکت شهروندان در انتخابات است. انتخابات یکی از عناصر اصلی حکومت‌های دموکراتیک به شمار می‌رود (Durán et al., 2018). تحقیق و بررسی بر روی انتخابات و مشارکت سیاسی طی چند سال گذشته در سراسر جهان رشد فزاینده‌ای داشته است (Cancela & Geys, 2016). در این بین، یکی از مفاهیم مهمی که باید مورد بررسی قرار گیرد، بحث جغرافیای انتخابات است. جغرافیای انتخابات در محدوده‌های جغرافیایی به عنوان بستری برای انتخاب نمایندگان در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی متمرکز شده است که به جنبه‌های جغرافیایی انتخابات، همه‌پرسی‌ها و سازماندهی آنها می‌پردازد و شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره را در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی مؤثر می‌داند (Zarghani & Razavinejad, 2016). شالوده اصلی جغرافیای انتخابات بر مفاهیمی مانند مشارکت سیاسی، دموکراسی، انتخابات، تصمیم‌گیری و حوزه‌های انتخابی استوار است (Kavianirad & Veysi, 2009). در تحلیل انتخابات، بسیاری از پژوهش‌ها از متغیرهای جمعیت‌شناختی و اجتماعی و اقتصادی جهت سنجش نقش میزان مشارکت سیاسی مردم در انتخابات استفاده کرده‌اند (Förster, 2018) و با مدل‌سازی متغیرها، میزان مشارکت را در هر سطح از گروه‌ها سنجیده‌اند (Johnston, Jones, & Manley, 2018). زیرا منظر جامعه‌شناختی بر این مبنا استوار است که آنچه توانسته افراد را تشویق کند تا در انتخابات شرکت کرده و رأی دهند، شرایط اجتماعی، محیطی، اقتصادی و فرهنگی افراد رأی‌دهنده است (Safarishali, 2015). باتوجه به اینکه قدمت دموکراسی در امور محلی و شهر در ایران به دو دهه قبل (۱۳۷۷) می‌رسد، این حوزه مطالعاتی چندان عمق پیدا نکرده و عمومی نشده است، لذا انجام چنین پژوهش‌هایی ضمن انعکاس بهتر فرهنگ سیاسی شهروندان می‌تواند نقش سازنده‌ای در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایفا نماید. از سویی دیگر امروزه رفتارهای انتخاباتی به صورت یک علم درآمده و تحلیل درست رفتارها و الگوهای انتخاباتی و همچنین امکان موفقیت افراد و گروه‌های سیاسی در انتخابات، بستگی به شناخت نگرش‌ها و رویکردهای علمی در زمینه انتخابات و مشارکت سیاسی دارد (Darabi, 2008). رویکردهای غالب در انتخابات شهرهای کوچک و میانی که عوامل

قومی - قبیله‌ای و تعهدات در آنها هنوز پابرجاست، نسبت به شهرهای بزرگ که روابط مکانیکی جای خود را به روابط ارگانیکی داده است، متفاوت است. بر همین اساس، پژوهش حاضر به شناخت عوامل مؤثر مشارکت سیاسی شهروندان در انتخابات شورای اسلامی شهر قائمشهر در دوره چهارم و پنجم می‌پردازد و ضمن مقایسه نتایج در دو دوره و بررسی الگوهای فضایی مشارکت، در پی پاسخ به این پرسش است که هر یک از عوامل تا چه اندازه در میزان مشارکت شهروندان در انتخابات نقش داشتند؟

۲. مبانی نظری پژوهش

انتخابات سیاسی

انتخابات نوعی کنش است که همواره به تعریف و تعیین میزان مشارکت سیاسی در عرصه نظام اجتماعی می‌پردازد. به دیگر سخن انتخابات از یک سو، ضمن بیان خصوصیات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی رأی‌دهندگان، رأی‌آوران و رأی‌خواهان سیاسی؛ سیاق‌گزینش نامزدهای انتخاباتی را معرفی می‌کند و با تاکید بر شرایط تعاملاتی تلاقی آرمان‌ها و انتظارات فردی و ساختی سیاسی از طرف دیگر، به کار تحلیل فرایند تربیت سیاسی، چگونگی ایفای نقش‌های سیاسی و موضع‌گیری رأی‌دهندگان نسبت به نظام حاکم سیاسی می‌آید. به این ترتیب، انتخابات یکی از طرق تبلور افکار عمومی است که با خاصیتی چون برجستگی و وفاق به عنوان یکی از سطوح اولیه مشارکت سیاسی مطرح می‌شود (Michael, 1992: 110). از منظر جغرافیایی و سیاسی، انتخابات نشان‌دهنده سودمندی و روشن کردن مناسبات میان افکار سیاسی شهروندان و تمایزات اجتماعی و فرهنگی جمعیت ساکن در انواع گوناگون از سرزمین‌ها است. در واقع انتخابات نشان‌دهنده پراکندگی جغرافیایی افکار سیاسی است، افکاری که بازتاب‌دهنده بسیاری از عوامل تغییر و دگرگونی در ارتباط با درآمدها، سنن، عقاید مذهبی، ترکیب اجتماعی و شغلی است که در محلی از یک رخداد تاریخی یا از یک شخصیت بجا مانده است (Lacoste, 2012: 198). انتخابات نوعی رفتارسنجی در نگرش سیاسی شهروندان است که با کارکردهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نظام در سطح کلان همبستگی دارد (Kavianirad, 2014). بنابراین، تحلیل انتخابات به مثابه یکی از حوزه‌های مردمی مشارکت سیاسی در بطن نظام اجتماعی به اتکای شرایط اجتماعی و زمینه‌های تاریخی جامعه توضیح می‌دهد که تحمیل مشارکتی و تعاملاتی اراده‌های حاکمان و تابعان فرایندهای سیاسی تا چه حد می‌تواند کم هزینه و ابطال‌گرایانه و

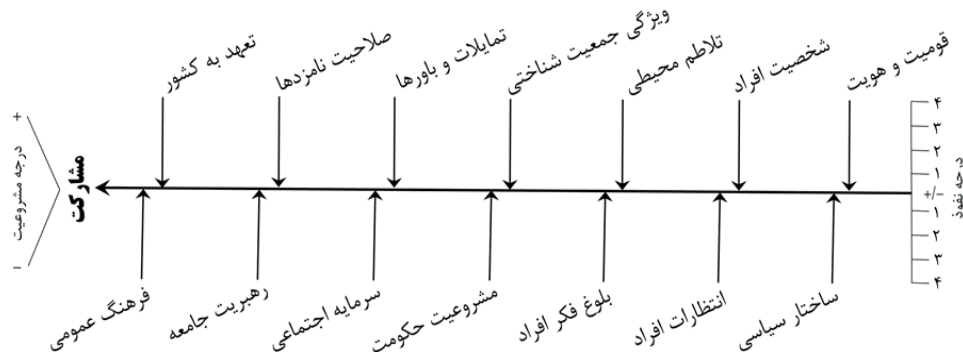
غیرخشن باشد و ضمن تداوم مبارزه و رقابت سیاسی واقعی در متن ساخت جامعه، مقبولیت ذهنی نظام سیاسی و استمرار اصلاح ساختار جامعه را به ارمغان آورد (Mohammadiasl, 2004).

مشارکت و مشارکت سیاسی

مشارکت، مهمترین گرایش اداره امور است. مشارکت سیاسی، کانون محوری مقوله انتخابات به شمار می‌رود و به مفهوم درگیری فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی است که از طیفی از عدم درگیری تا داشتن مقام سیاسی را دربرمی‌گیرد. رأی‌دهی، کمترین شکل مشارکت سیاسی می‌باشد زیرا نیازمند کمترین تعهد است و همین‌که رأی به صندوق انداخته شد پایان می‌یابد (Kavianirad & Veysi, 2009). هرگونه اقدام داوطلبانه موفق یا ناکام، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، گذرا یا پایدار که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی و در سطح ملی و محلی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی را بکار می‌گیرد، مشارکت سیاسی تعریف می‌شود. مشارکت نقشی محوری در مشروعیت دارد زیرا انتخابات (منصفانه و عادلانه) به عنوان شیوه دموکراتیک برای گزینش نهادهای نمایندگی مردم و بنیاد مشروعیت ساختارهای مردم سالار است (Kavianirad, 2014).

عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی

همانطور که اشاره شد یکی از مباحث اصلی انتخابات بحث مشارکت شهروندان افراد می‌باشد به همین منظور، در این بخش به شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات پرداخته می‌شود. برادول (۲۰۰۶) جنسیت، منطقه سکونت، سن، تحصیلات، درآمد، نژاد، قومیت و دین را به عنوان عوامل مؤثر مشارکت می‌داند و دلایل مشارکت را منافع شخصی، نیازهای روانشناختی و اهداف شخصی برمی‌شمرد (Rahnvard & Mahdavirad, 2010: 135). همچنین اشتغال، تحصیلات، خانواده، ارتباط با شهر، رسانه گروهی، وابستگی روانی به دولت، احساس باقدردت بودن (تأثیرگذار بودن) و اعتماد (به دولت و شورا) به عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت مورد ارزیابی قرار گرفتند (Biabangard, 2011). در مجموع، می‌توان پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سن، تحصیلات، شغل، جنسیت، مذهب، قومیت، ناحیه، محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی را از عوامل مؤثر مشارکت سیاسی شهروندان برشمرد (Naghibzadeh, 1994: 12).



شکل ۱- عوامل مؤثر بر شرکت در انتخابات

Source: (Rahnavard & Mahdavid, 2010: 138)

سازمان فضایی و الگوهای فضایی که از رأی گیری و انتخابات بوجود می آید، نشان دهنده نگرش های متفاوت در رفتار سیاسی رأی دهندگان در حوزه های گوناگون انتخابی است. در واقع، رفتارشناسی رأی دهندگان به این بحث می پردازد که چه عواملی باعث می شود که رأی دهنده به این تصمیم برسد که به شخص خاص یا حزب خاص رأی دهد. به همین منظور، در بحث رفتارشناسی رأی دهندگان پارادایم ها و الگوهای مختلف جامعه شناسی، روان شناختی، اقتصادی و غیره مطرح شده است. البته منطقی به نظر نمی رسد که به رفتار رأی دهی تک بعدی نگاه کرد بلکه در هر کدام از ابعاد باید زمینه های مختلف را در نظر گرفت و با یک دید جامع تمام زمینه های مؤثر در تصمیمات رأی دهندگان را مورد تحلیل قرار داد (Zarghani & Razavinejad, 2016). پژوهش های انجام شده مرتبط با پژوهش حاضر در جدول ذیل آمده است:

جدول ۱- پژوهش های مرتبط با حیطه پژوهش

سه رویکرد «مسلط»، «عقلایی» و «حزبی» را برای الگوی رأی دهندگان در شهر سنقر در سال ۱۳۹۲ در نظر گرفته است و به این نتیجه رسیده است که الگوی عقلایی الگوی غالب رأی دهی شهروندان در سنقر است.	(Nasiri et al., 2014)
بارتل و همکاران به بررسی نقش نابرابری اقتصادی درون جوامع و بین جوامع در مشارکت آنها در انتخابات می پردازند. نتایج نشان می دهد نابرابری در جوامع به طور متوسط تأثیر مثبتی بر مشارکت دارد اما نقش نابرابری بین جوامع در مشارکت بیشتر و محسوس تر است.	(Bartle, Birch, & Skirmuntt, 2017)
در پژوهشی براکو و رولی به بررسی نقش همزمانی انتخابات در مشارکت مردم در کشور ایتالیا پرداختند. در این پژوهش برگزاری انتخابات ایالتی و انتخابات شهری بصورت همزمان مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاکی از آن است که میزان مشارکت تا ۱۰ درصد افزایش یافته است.	(Bracco & Revelli, 2018)

در این پژوهش نابرابری درآمد و مشارکت در انتخابات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با مطالعه مبانی نظری و ادبیات پژوهش و همچنین تحلیل آمارهای موجود از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ به این نتیجه رسیدیم است که در محدوده مورد بررسی ویژگی‌های اقتصادی و نابرابری درآمد بر روی مشارکت مردم اثرگذار بوده و موجب کاهش مشارکت در انتخابات شده است.	(Stockemer & Scruggs, 2012)
در این پژوهش شاخص‌های اقتصادی از جمله ضریب جینی، تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه به عنوان شاخص‌های اقتصادی جهت سنجش نقش نابرابری اقتصادی در میزان مشارکت در انتخابات مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد نابرابری اقتصادی موجب کاهش انگیزه مردم برای شرکت در انتخابات شده است.	(Jensen & Jespersen, 2017)
مارتینز و نای به بررسی نقش تنوع قومی- نژادی در مشارکت انتخابی در ۶۵۰ مطالعه موردی پرداختند و در پایان به این نتیجه رسیدند که در مکان‌های تک قطبی که گروه‌های قومی تمرکز بالاتری دارند، مردم مشارکت کمتری داشتند.	(Martinez i Coma & Nai, 2017)
سیولا در این پژوهش به بررسی نرخ بیکاری و نرخ مشارکت در انتخابات پرداخت و نشان داد نرخ بیکاری موجب می‌شود افراد برای رسیدن به شرایط بهتر در انتخابات مشارکت کنند.	(Cebula, 2017)
در پژوهش لاپی و مارسکال به بررسی عوامل زمینه در مشارکت ساکنان در انتخابات شورای شهر در آمریکا پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که علاوه بر عوامل زمینه ای خود مکان فارغ از تمام ویژگی‌های ساکنان آن در مشارکت اهمیت خاصی دارد.	(Lappie & Marschall, 2018)

Source: Theoretical findings of research

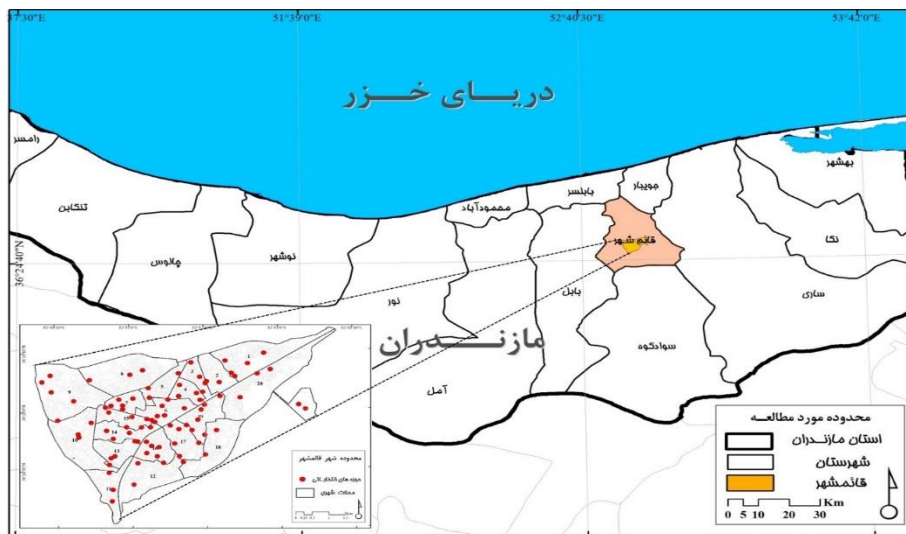
۳. محدوده مورد مطالعه

قائم‌شهر مرکز شهرستانی به همین نام در استان مازندران است که در حدود ۴۰۰ هزار نفر جمعیت دارد. مساحت این شهر ۴۵۸/۵ کیلومتر مربع و ارتفاع از سطح دریا ۵۱/۲ متر است. ساکنان اصلی این شهرستان از نژاد قوم تپوری - ساکنان اصلی مازندران - است. نام قدیم این شهر «شاهی» بود که بعد از سال ۱۳۵۸ به قائمشهر تغییر یافت. از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ بیش از ۲۲۰۰۰۰ نفر به جمعیت شهر اضافه شده است. در سال ۱۳۹۵ تعداد ۶۸۴۰۷ خانوار با بعدی معادل ۳ نفر در شهر زندگی می‌کردند. نزدیک به ۵۰/۲ درصد جمعیت را زنان و ۴۹/۸ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. با توجه به قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور در دوره جدید، برای شهرهای بین ۲۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر ۹ نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی‌البدل در نظر گرفته شد، که با عبور جمعیت شهر قائمشهر از مرز ۲۰۰ هزار نفر در دوره پنجم تعداد اعضای اصلی شورای اسلامی شهر از ۱۱ نفر به ۹ نفر کاهش یافته است.

جدول ۲. جمعیت شهر قائمشهر از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
جمعیت	۳۳۰۵۵	۳۸۱۹۸	۶۳۳۷۷	۱۰۹۲۸۸	۱۲۳۶۸۴	۱۴۳۲۸۶	۱۷۴۲۴۶	۱۹۶۰۵۰	۲۰۴۹۵۳

(Population and housing census, 1946 – 2016)



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهر قائمشهر در سطح شهرستان و استان

Source: Authors

۴. روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. شاخص‌ها و متغیرهای اصلی مورد بررسی از مبانی نظری و ادبیات پژوهش استخراج شد که عبارتند از اشتغال، سن، تحصیلات و مهاجرت. جامعه مورد مطالعه شامل نتایج آراء حوزه‌های انتخابیه در سطح محلات قائمشهر در دوره چهارم و پنجم شورای شهر است که با استفاده از داده‌های بلوک‌های آماری سال ۱۳۹۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم افزار Arc GIS و Excel پردازش و یافته‌ها براساس نقشه‌های موضوعی تولید شده مورد تحلیل قرار گرفت. برای تحلیل‌های فضایی از افزونه درونیایی بخش کریجینگ استفاده شده است.

برخی از مفاهیم مورد استفاده در پژوهش از رابطه‌های زیر بدست آمده است:

$$\text{رابطه ۱:} \quad \frac{\text{جمعیت 18 سال به بالا}}{\text{کل جمعیت شهر}} = \text{نسبت جمعیت واجد شرایط}$$

$$\text{رابطه ۲:} \quad \frac{\text{میزان آراء مأخوذه}}{\text{جمعیت واجد شرایط}} = \text{نرخ مشارکت}$$

۵. تجزیه و تحلیل و یافته‌ها

ارزیابی وضعیت مشارکت در همه دوره‌های انتخابات شورای شهر قائمشهر

نتایج برگزاری پنج دوره انتخابات نشان می‌دهد، با افزایش تعداد جمعیت واجد شرایط از ۱۰۰۰۰۰۰ نفر در دوره اول (۱۳۷۷) به ۱۶۶۰۰۰ نفر در دوره پنجم (۱۳۹۶)، میزان مشارکت نزدیک به ۱۸ درصد کاهش یافت. نرخ مشارکت در آخرین دوره نشان می‌دهد نزدیک به نیمی از افراد واجد شرایط در انتخابات مشارکتی نداشتند. از دیگر ویژگی‌های انتخابات شورا در این شهر، کاهش ۱۹ درصدی دوره دوم نسبت به دوره اول و کاهش ۸ درصدی دوره پنجم نسبت به دوره چهارم است. دوره دوم نیز با مشارکت ۵۲ درصدی از پایین‌ترین میزان در تمام دوره‌ها برخوردار بود. مشارکت کشوری نیز در این دوره با کاهش چشمگیری نسبت به دوره اول روبرو بوده است، به طوری که مشارکت در شهرهای بزرگ ۲۰ درصد و در کل کشور ۴۸ درصد بوده است (Lalemi & Bagheri, 2004).

جدول ۳. نتایج ۵ دوره انتخابات شورای اسلامی شهر قائمشهر

دوره	سال	جمعیت واجد شرایط	تعداد آرا	نرخ مشارکت (درصد)	آرای صحیح	آرای باطله	تعداد داوطلبان	تعداد حوزه‌ها
اول	۱۳۷۷	۱۰۰۰۰۰	۷۱۵۴۴	۷۱	۶۸۵۱۹	۳۰۲۵	۱۸۴	۵۰
دوم	۱۳۸۱	۱۰۶۰۰۰	۵۵۳۳۳	۵۲	۵۴۴۱۴	۹۱۹	۳۱	۵۲
سوم	۱۳۸۵	۱۲۷۴۸۵	۷۹۶۴۶	۶۲	۷۳۷۶۰	۵۵۸۳	۱۰۶	۶۲
چهارم	۱۳۹۲	۱۵۵۷۵۸	۹۶۷۵۱	۶۱	۹۲۷۵۰	۴۰۰۱	۱۱۳	۸۶
پنجم	۱۳۹۶	۱۵۹۹۴۰	۸۱۲۲۹	۵۳	۸۶۲۰۳	۲۰۲۶	۱۱۰	۸۸

Basic information of Ghaemshahr governorate and Research findings

نسبت آرای متخین به کل آراء

این شاخص نشان می‌دهد که متخین شورا تا چه اندازه مورد اقبال شهروندان قرار دارند. میانگین آراء متخین در دوره‌های مختلف نوسان داشت. پایین‌ترین میزان با ۹/۲ درصد مربوط به دوره چهارم و بالاترین

میزان با ۱۴/۳ درصد مربوط به دوره دوم بود، میانگین آراء در آخرین دوره نیز نسبت به اولین دوره پایین تر بوده است. در ۵ دوره برگزاری، بالاترین میزان درصد آراء به نفر اول دوره اول تعلق دارد که با ۲۴/۸ درصد از کل آراء رکورددار بیشترین درصد آراء در تمام دوره‌هاست، در کنار ثبت این رکورد، اما واقعیت نهفته‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد بیش از ۷۵ درصد مشارکت‌کنندگان به ایشان رأی نداده‌اند، یعنی برگزیده‌ترین منتخب تمام ادوار، مورد تأیید و انتخاب ۷۵ درصد از افراد رأی‌دهنده نبود. این وضعیت در موارد دیگر با شدت بیشتری دیده می‌شود، برای مثال در دوره چهارم که نسبت آراء اکثر متخین به کل آراء در سطح بسیار پایینی قرار داشت، مشاهده می‌شود متخبی که حتی موفق به کسب ۸ درصد آراء هم نشده به عضویت شورای شهر درآمده است، به عبارت دیگر، ساز و کار انتخابات شورای شهر در کشور ما می‌تواند به شکلی رقم بخورد که یک داوطلب در صورت عدم تمایل از سوی بیش از ۹۲ درصد رأی‌دهندگان به عضویت شورای شهر درآمده و در مسند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی امور شهری قرار گیرد (جدول ۴).

از مهمترین دلایل این رخداد می‌توان به نقش و جایگاه روبه‌افول شورا در توسعه و آبادانی شهر، عدم شناخت مردم از داوطلبین، محدودشدن حیطه رأی‌آوری داوطلبین به محدوده زندگی یا اقوام و آشنایان، و همچنین پدیده تک‌رأی یا عدم تکمیل برگه‌های رأی توسط مردم اشاره نمود. برای مثال، در دوره پنجم که ۸۶۲۰۳ برگه صحیح رأی به صندوق‌ها سرازیر شد در مجموع ۳۵۰۷۳۴ نام در برگه‌ها نوشته شد، یعنی در هر برگه رأی بطور میانگین فقط نام ۴ داوطلب آمده است، در صورتی که هر شرکت‌کننده می‌توانست نام ۹ نفر را بنویسد. براین اساس، افرادی که در دوره پنجم انتخاب شده‌اند در مجموع فقط ۱۲ درصد از کل آراء شهر را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۴).

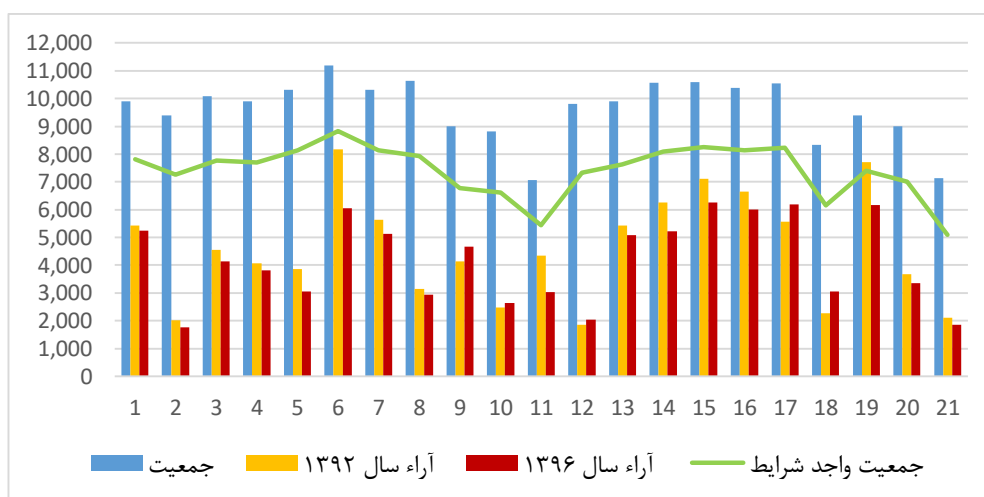
جدول ۴. نسبت آراء متخین به کل آراء در ۵ دوره انتخابات شورای اسلامی شهر قائمشهر

دوره	سال	نفر اول	نفر دوم	نفر سوم	نفر چهارم	نفر پنجم	نفر ششم	نفر هفتم	نفر هشتم	نفر نهم	نفر دهم	نفر یازدهم	میانگین دوره
اول	۱۳۷۷	۲۴٫۸	۱۲٫۳	۱۱٫۶	۱۱٫۲	۱۰٫۸	۹٫۴	۸٫۷	*	*	*	*	۱۲٫۷
دوم	۱۳۸۱	۲۰٫۴	۱۶٫۴	۱۳٫۸	۱۳٫۷	۱۲٫۷	۱۱٫۹	۱۱٫۵	*	*	*	*	۱۴٫۳
سوم	۱۳۸۵	۱۳٫۳	۱۱٫۸	۱۱٫۸	۱۱٫۶	۱۰٫۶	۱۰٫۵	۹٫۹	*	*	*	*	۱۱٫۴
چهارم	۱۳۹۲	۱۳٫۶	۱۱٫۶	۹٫۱	۹٫۰	۸٫۸	۸٫۵	۸٫۴	۸٫۳	۸٫۱	۸٫۰	۷٫۸	۹٫۲
پنجم	۱۳۹۶	۱۶٫۶	۱۵٫۹	۱۲٫۲	۱۱٫۵	۱۱٫۱	۱۰٫۶	۱۰٫۲	۱۰٫۰	۹٫۵	*	*	۱۲

Basic information of Ghaemshahr governorate and authors calculation

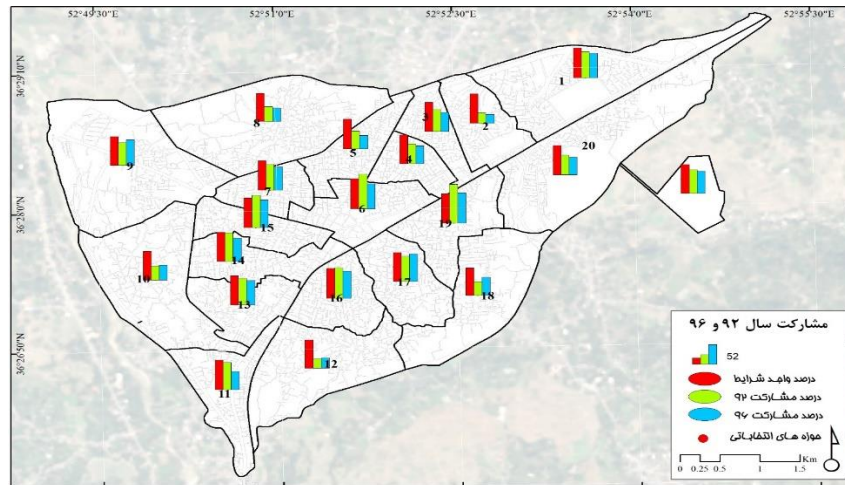
مقایسه آراء در دوره‌های چهارم و پنجم

در دوره چهارم (۱۳۹۲) جمعیت واجد شرایط ۱۵۵۷۵۸ نفر (تقریباً ۷۹/۵ درصد از جمعیت شهر) بوده که در دوره پنجم (۱۳۹۶) به ۱۵۹۹۴۰ نفر (۷۸ درصد از جمعیت شهر) افزایش یافت، با این حال، در دوره چهارم ۹۶۷۵۱ رأی به صندوق‌ها سرازیر شد و سهم دوره پنجم ۸۲۲۹ رأی بوده است، یعنی با اینکه تعداد واجدین شرایط دوره پنجم بیشتر بود، اما ۸۵۰۰ رأی کمتر از دوره قبل به صندوق‌ها ریخته شد، بنابراین، درصد مشارکت مردم در دوره چهارم با کاهشی ۸ درصدی به ۵۳ درصد در دوره پنجم رسید. این اختلاف مشارکت در محلات شهری به وضوح دیده می‌شود، یعنی به جز محلات ۹ (صاحب زمان)، ۱۰ (درزیکلا)، ۱۲ (آبندسرا، دخانیات و سیاهکلا)، ۱۷ (آذری محله، پل سه تیر و مجاور محله) و ۱۸ (جمنون محله و کتی سر)، در سایر محلات میزان مشارکت کمتر از دوره قبل بوده است. بیشترین کاهش آرا در نواحی مرکزی شهر اتفاق افتاده که شامل مناطق ۶ (سید محله)، ۱۹ (شهدا محله و شن چال)، ۱۴ (بربری محله و عدالت)، ۱۵ (دهقان) و ۵ (خزر) می‌باشد. با مقایسه این دو دوره می‌توان گفت نواحی شمالی و جنوبی شهر با افزایش مشارکت و نواحی شرقی و غربی با کاهش مشارکت روبرو بوده‌اند (نمودار ۱ و شکل ۳).



نمودار ۱. میزان جمعیت مناطق به همراه جمعیت واجد شرایط و آراء سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶.

Source: Authors



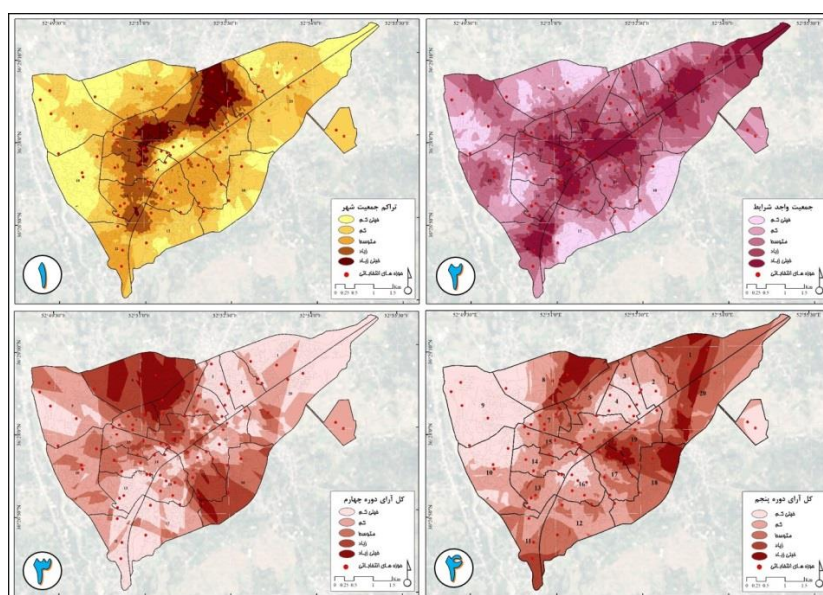
شکل ۳. مقایسه آرای محلات شهر قائمشهر در دوره چهارم و پنجم انتخابات شورای شهر.

Source: Authors

توزیع فضایی آراء در دوره های چهارم و پنجم

در دوره چهارم تعداد ۸۴ حوزه انتخابی و در دوره پنجم تعداد ۸۷ حوزه انتخابی به جمع آوری آراء پرداختند. به منظور شناخت توزیع فضایی مشارکت ابتدا به تحلیل تراکم جمعیت و افراد واجد شرایط در قائمشهر پرداخته می شود. تراکم جمعیت در قائمشهر در اکثر مناطق متوسط است، اما در نیمه شمالی شهر و محلات ۷، ۵ و ۳، هاله تراکمی بیشتری دیده می شود. بخش مرکزی هم با توجه به تمرکز کاربری های اداری، تجاری و خدماتی جمعیت کمتری داشته و همانند مناطق حاشیه ای از تراکم جمعیت کمتری برخوردار است (شکل ۴، نقشه ۱). در بخش مرکزی و پیرامون خیابان های اصلی مانند کارگر (ساری)، صالحی مازندرانی (تهران) و امام خمینی (بابل) تراکم واجدین شرایط (جمعیت بیشتر از ۱۸ سال) بیشتر از سایر مناطق است (شکل ۴، نقشه ۲). در دوره چهارم، بیشترین میزان آراء در بخش های شمالی (منطقه ۹) و جنوبی شهر (منطقه ۱۷ و ۱۸) و کمترین آراء در قسمت های شرقی شهر (مناطق ۱، ۲، ۳ و ۲۰) به صندوق ها ریخته شد (شکل ۴، نقشه ۳). الگوی توزیع فضایی مشارکت در دوره پنجم تا حدودی شبیه به دوره چهارم است، از محله کوچکسرا در بخش شمالی شهر تا محله جمنان در بخش جنوبی شهر، پهنه ای شمالی- جنوبی تشکیل شده که محدوده تمرکز بیشترین آراء جمع آوری شده است (شکل ۴، نقشه ۴). با این تفاوت که در دوره چهارم نسبت بخش غربی شهر (محله های درزیکلا و انتهای عدالت) نسبت به بخش شرقی شهر (چشمه سر، مهمانسرا، اسلام آباد و شن چال) از آراء بیشتری برخوردار بودند، اما در دوره پنجم تمرکز

آراء و میزان مشارکت در نواحی شرقی بیشتر از دوره قبل بود. در دوره چهارم کمترین مقدار آراء در یک حوزه انتخاباتی ۳۲۹ رأی و بیشترین مقدار ۱۸۵۵ رأی و در دوره پنجم کمترین آراء ۵۵۸ رأی و بیشترین آراء ۱۲۴۵ رأی بوده است. دامنه تغییرات آراء حوزه‌های انتخاباتی در دوره پنجم کمتر از دوره چهارم بوده است که نشان می‌دهد در این دوره، توزیع فضایی آراء بهتر از دوره چهارم بود، شاید بتوان افزایش حوزه‌های انتخابی در این دوره را یکی از دلایل آن دانست.



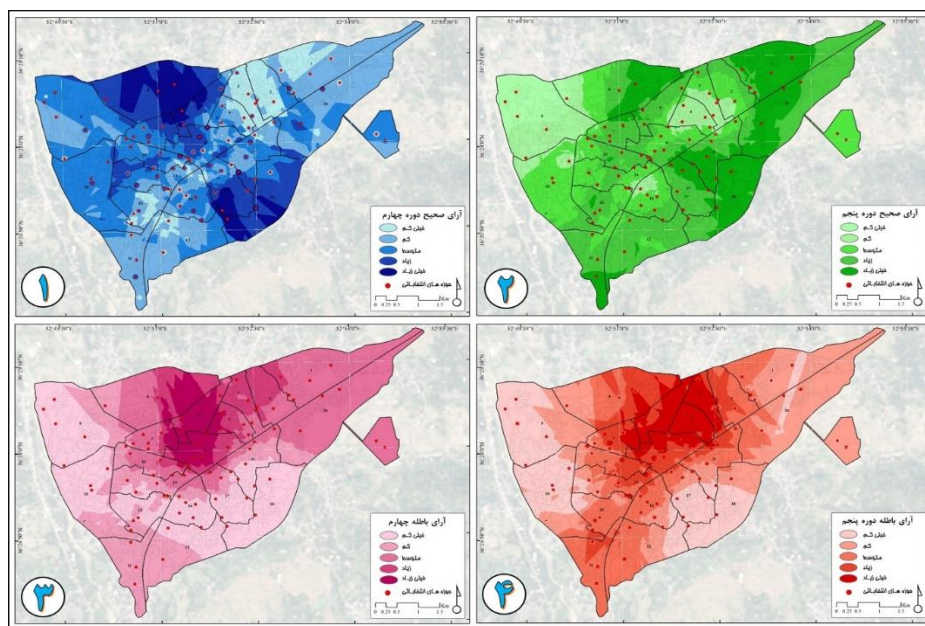
شکل ۴. توزیع فضایی آراء دوره چهارم و پنجم به همراه نقشه تراکم جمعیت و واجدین شرایط.

Source: Authors

بررسی وضعیت آراء صحیح و باطله

تعداد آراء صحیح و باطله در انتخابات نشان می‌دهد مشارکت‌کنندگان تا چه اندازه داوطلبان را تأیید نموده و آنها را شایسته این مسئولیت می‌دانند. برخی از مشارکت‌کنندگان صرفاً برای اینکه فقط در انتخابات شرکت داشته باشند به پای صندوق‌های رأی می‌آیند و اینکه چه کسی انتخاب شود برای آنها اهمیتی ندارد. در دوره چهارم، الگوی فضایی آراء صحیح با الگوی کل آراء تقریباً همسان بوده است (شکل ۵، نقشه ۱) اما توزیع آراء باطله در بخش مرکزی و شمالی شهر یعنی مرکز شهر و محله‌های خزر و کوچکسرا دیده می‌شود (شکل ۵، نقشه ۳). در دوره پنجم، پراکنش فضایی آراء صحیح بیشتر در نواحی شرقی و شمال

شرقی دیده می‌شود. در این دوره، الگوی آرای صحیح با کل آراء تقریباً همسان بوده و به جز محلات قائمیه و شرافت سایر نواحی از میانگین بالاتری برخوردارند (شکل ۵، نقشه ۲). توزیع فضایی آرای باطله دوره پنجم با دوره چهارم همخوانی دارد، با این تفاوت که علاوه بر نواحی شمالی به حوزه‌های انتخابی محلات جنوبی نیز کشیده شده است (شکل ۵، نقشه ۴ و ۳).



شکل ۵. نقشه آرای صحیح و باطله دوره چهارم و پنجم انتخابات شورای شهر قائمیه.

Source: Authors

۶. عوامل مؤثر بر الگوی فضایی مشارکت سیاسی

گروه‌های سنی

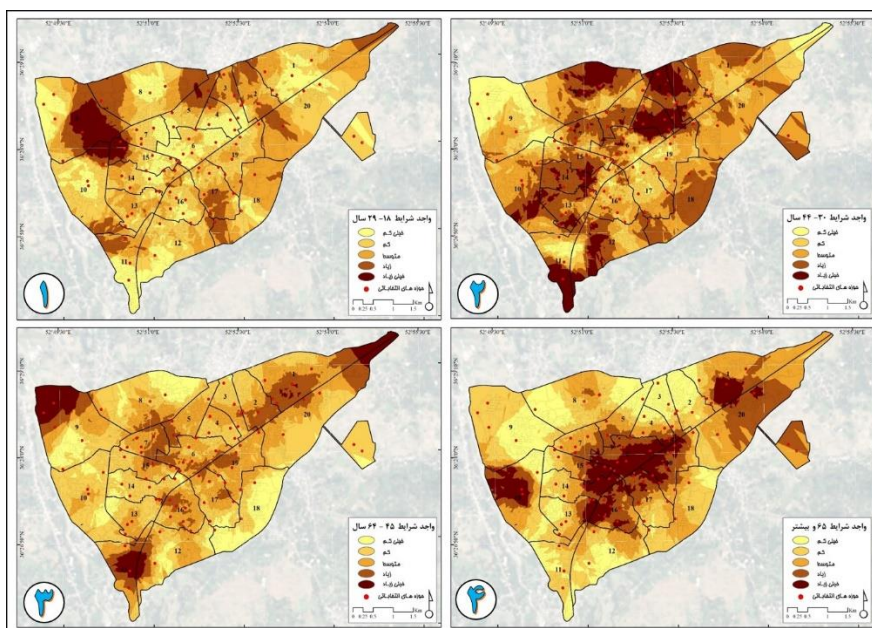
سن یکی از متغیرهای تأثیرگذار در مشارکت شهروندان می‌باشد. پژوهش‌های فراوانی به اهمیت سن در انتخابات پرداخته‌اند که نشان می‌دهد گروه‌های سنی مختلف رفتارهای متفاوتی در انتخابات دارند و میزان مشارکت آنها با یکدیگر نیز متفاوت است (Mansley & Demšar, 2015). در این پژوهش، جمعیت واجد شرایط به ۴ گروه سنی ۱۸ تا ۲۹، ۳۰ تا ۴۴، ۴۵ تا ۶۵ و بیشتر از ۶۵ سال تقسیم شده است. بیشترین شرکت‌کننده در گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال قرار دارند که گروه سنی جوان را تشکیل می‌دهند. این گروه سنی بیشترین تمرکز را در محله ۹ شهر (محله قائمیه و صاحب الزمان) دارد (شکل ۶، نقشه ۱). علت آن را

می‌توان بافت جدید شهر در این قسمت و سکونت خانواده‌های جوان و نوپا دانست. گروه سنی ۳۰ تا ۴۴ سال دومین گروه را شامل می‌شود که در اکثر نقاط شهر به صورت لکه‌هایی پراکنده است (شکل ۶، نقشه ۲). گروه دیگر میانسالان شامل سنین ۴۵-۶۴ سال می‌باشند که ۲۷ درصد از جمعیت شهر را در بر گرفته و بصورت لکه‌هایی در ورودی‌های شهر متمرکز شده‌اند (شکل ۶، نقشه ۳). آخرین گروه سنی سالمندان هستند که بیشتر در بخش قدیمی و مرکزی و در نواحی شرقی و اطراف کارخانه قدیمی نساجی تمرکز دارند (شکل ۶، نقشه ۴).

جدول ۵. گروه‌های سنی جمعیت واجد شرایط

سن (سال)	تعداد	درصد
۱۸ - ۲۹	۵۰۹۱۵	۳۳,۶۷
۳۰ - ۴۴	۴۸۱۰۰	۳۱,۸۰
۴۵ - ۶۴	۴۱۱۱۵	۲۷,۱۹
بیشتر از ۶۵	۱۱۰۹۶	۷,۳۴

Source: Research findings based on 2016 statistical blocks

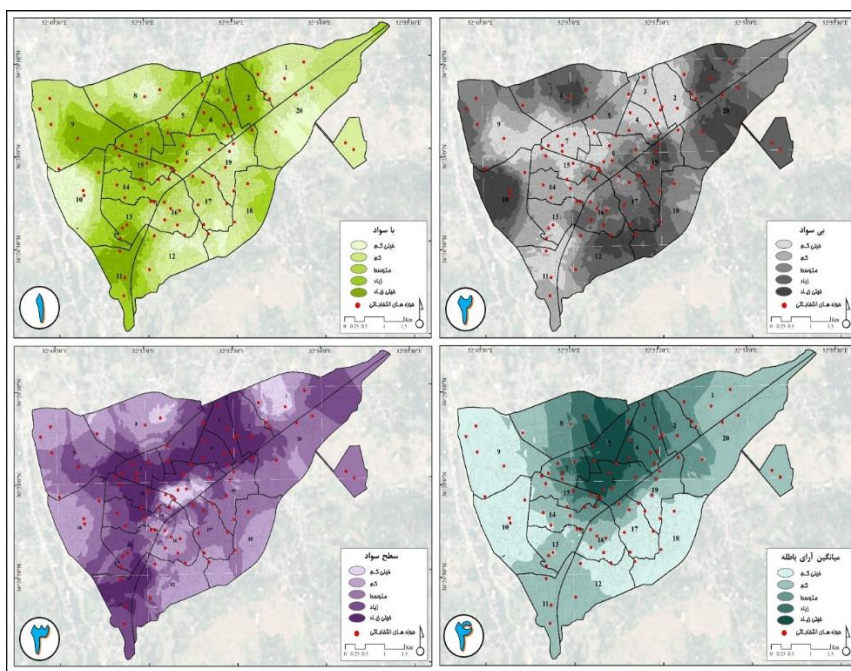


شکل ۶. نقشه گروه‌های سنی جمعیت واجد شرایط شهر قائمشهر.

Source: Authors

تحصیلات

نقش تحصیلات در مشارکت شهروندان با سه متغیر جمعیت باسواد، جمعیت بی سواد و سطح سواد مورد تحلیل قرار گرفته است. جمعیت باسواد بیشتر در نیمه شمالی شهر دیده می شود (شکل ۷، نقشه ۱) و جمعیت بی سواد بیشتر در نیمه جنوبی شهر تمرکز دارند (شکل ۷، نقشه ۲). شاخص سطح سواد از ترکیب هر مقطع تحصیلی با وزنی که به هر مقطع داده شد (ابتدایی ۱، راهنمایی ۲، متوسطه و پیش دانشگاهی ۳، کاردانی ۴، کارشناسی ۵، کارشناسی ارشد و دکتری ۶) محاسبه شده است (شکل ۷، نقشه ۳). برای سنجش نقش سواد در میزان مشارکت به تحلیل رابطه بین سطح سواد و میزان کل آراء پرداخته شد. باتوجه به الگوی پراکنش فضایی آراء در دو دوره چهارم و پنجم به جزء مواردی معدود، نمی توان رابطه مستقیمی بین سطح سواد و میزان مشارکت در نظر گرفت. اما بین سطح سواد و آراء باطله در هر دو دوره رابطه وجود دارد و مشخص است در محلاتی که سطح سواد بالاتری دارند آراء باطله بیشتری به صندوق های رأی سرازیر شده است (شکل ۷).

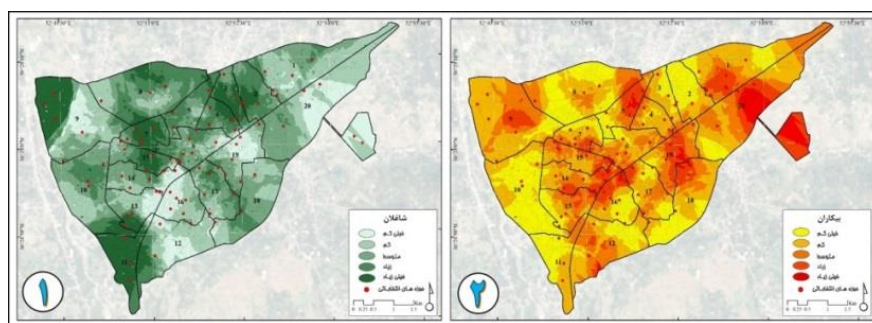


شکل ۷. نقشه سطح تحصیلات و میانگین آراء باطله دوره پنجم.

Source: Authors

اشتغال

از دیگر عوامل مهم در مشارکت شهروندان اشتغال و بیکاری آنهاست. نقشه‌های پراکنش فضایی اشتغال و بیکاری در قائمشهر نشان می‌دهد (شکل ۸) پراکندگی شاغلان بیشتر در نواحی شمالی، شمال غرب و جنوب غرب بوده و پراکنش بیکاران بیشتر در نواحی مرکزی و شمال شرقی دیده می‌شود. با مقایسه نقشه‌های اشتغال و توزیع آراء (شکل ۴، نقشه ۴) همسویی و مطابقت زیادی بین تعداد آراء و تعداد بیکاران دیده می‌شود، به عبارتی، در این شهر بیکاران تمایل زیادی به شرکت در انتخابات دارند. این مطابقت را می‌توان با مقایسه وضعیت محلات ۵، ۱۹، ۱۸، ۲۰، ۸ و ۱ به خوبی مشاهده نمود.



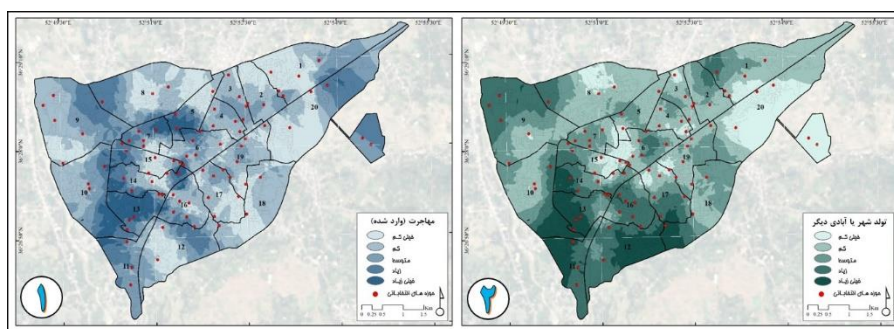
شکل ۸ نقشه جمعیت بیکار و شاغل در شهر قائمشهر.

Source: Authors

مهاجرت

از مهمترین مواردی است که در شکل‌گیری هویت و مشارکت سیاسی شهروندان نقش دارد. به همین منظور، شاخص مهاجرت با توجه به دو معیار محل تولد در شهر یا آبادی دیگر و همچنین مهاجران وارد شده به شهر قائمشهر مورد سنجش قرار گرفته است، تا مشخص شود جمعیت مهاجری که از نقاط دیگر به شهر آمده‌اند تا چه حد توانسته‌اند هویت جمعی خود را در محیط جدید پیدا کنند و در سرنوشت سیاسی خویش تأثیرگذار باشند؟ نقشه‌های موضوعی نشان می‌دهند بیشتر مهاجران وارد شده در نواحی غربی و پیرامون مرکز شهر ساکن شده‌اند و عده‌ای نیز در قسمت شرقی و در نزدیکی محل سابق کارخانه نساجی استقرار یافتند، که شاید علت آن اشتغال در کارخانه باشد. افرادی که محل تولد آنها شهر یا آبادی دیگر است بیشتر در نیمه جنوبی شهر و در امتداد مسیر ارتباطی فیروزکوه به تهران سکونت دارند، که به نظر می‌رسد مبدأ مهاجرت بیشتر روستاهای اطراف و برای تحصیل، اشتغال و استفاده از شرایط و امکانات

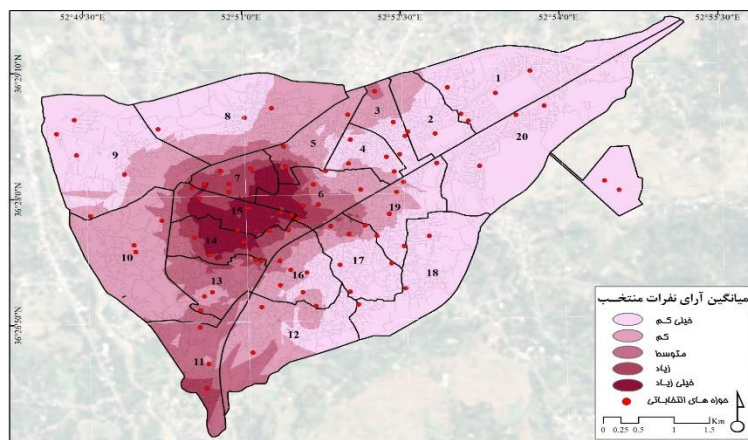
بهرتر زندگی باشد. مقایسه نقشه‌های این ناحیه نشان می‌دهد، بین تراکم مهاجران و الگوی پراکنش آراء در دوره چهارم و پنجم تقریباً رابطه عکس دیده می‌شود (شکل ۴ و شکل ۹) و مهاجرین علاقه کمتری به مشارکت در انتخابات شورای شهر نشان می‌دهند، به احتمال زیاد با توجه به ریشه روستایی مهاجران، این افراد در زمان انتخابات بیشتر تمایل دارند به پای صندوق‌های رأی زادگاه خود در روستاهای اطراف مراجعه نمایند.



شکل ۹. نقشه محل تولد شهر یا آبادی دیگر و مهاجرت به شهر قائمشهر.

Source: Authors

همانطور که در بخش تحلیل آراء اشاره شد ۹ عضو منتخب دوره پنجم در مجموع تنها ۲۷ درصد از کل آراء را کسب نموده‌اند. با تهیه الگوی توزیع آرای این ۹ عضو منتخب و تلفیق آنها با استفاده از روش Fuzzy overlay، نقشه نهایی تمرکز آراء ترسیم شد. این نقشه نشان می‌دهد کدام ناحیه و کدام محله در انتخاب اعضای فعلی نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای داشتند. همانطور که در شکل ۱۰ مشاهده می‌شود تمرکز آرای اعضای فعلی بیشتر در محلات ۱۵، ۱۴، ۷ و ۶ و در مرحله بعد محلات ۵، ۱۱ و ۱۳ می‌باشد. این پهنه رأی، به صورت کریدوری تک هسته‌ای از جنوب غربی به سمت بخش مرکزی و شمال شهر کشیده شده است. از جمله عوامل شکل‌گیری این کریدور می‌توان به تمرکز جمعیت جوان، تعدد و تراکم حوزه‌های انتخاباتی و همچنین سکونت اکثر متخبین در این نواحی اشاره نمود.



شکل ۱۰. تمرکز آرای متخین در دوره پنجم. Source: Authors

۷. نتیجه‌گیری

از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۶ پنج دوره انتخابات شورای شهر برگزار شد. نتایج نشان می‌دهد میزان مشارکت از دوره اول تا دوره پنجم با ۱۹ درصد کاهش از ۷۱ درصد به ۵۳ درصد رسیده است، از سوی دیگر، میانگین نسبت آرای متخین به کل آراء نیز روند پر نوسان و روبه کاهشی داشت، از یکسو بالاترین میزان رأی به فرد منتخب در حدود ۲۵ درصد آراء بود که به دوره اول اختصاص داشت و از سوی دیگر پایین‌ترین میزان رأی هم با کمتر از ۸ درصد آراء مربوط به دوره آخر است، به نظر می‌رسد لاینحل ماندن بسیاری از معضلات مهم شهری و ساز و کار نامناسب انتخاب شدن را می‌توان از مهمترین دلایل ناامیدی و عدم اقبال شهروندان دانست.

تفکیک شرکت‌کنندگان براساس گروه‌های سنی نشان می‌دهد تمرکز مشارکت گروه‌ها در انتخابات با بافت شهر، قدمت محلات و روند رشد و توسعه شهر در ارتباط است، به گونه‌ای که در محلات شمالی و غربی که بافت جدیدتری دارند بیشتر مشارکت جمعیت جوان و در محلات مرکزی و قدیمی شهر بیشتر مشارکت میانسالان و سالمندان دیده می‌شود. با توجه به الگوی پراکنش فضایی آراء به جزء برخی بلوک‌ها نمی‌توان نمایش واضح و معنی داری از ارتباط مستقیم بین سطح سواد و میزان مشارکت در نظر گرفت، اما با مطابقت نقشه توزیع آراء باطله و پراکندگی سطح سواد کاملاً مشخص است در محلاتی که سطح سواد بالاتری دارند آراء باطله بیشتری به صندوق‌های رأی سرازیر می‌شود. این امر نشان می‌دهد نخبگان شهری و افراد آگاه به امور، به نقش و عملکرد شورا در تحقق اهداف مدیریت شهری اعتماد چندانی ندارند،

در حالی که در دموکراسی‌های پیشرفته، جایگاه ویژه‌ای برای نخبگان در نظر گرفته و رضایتمندی آنها نقش محوری در هدایت سکان سیاست ایفا می‌نماید. از دیگر نتایج تحقیق، همخوانی نقشه‌های توزیع بیکاری و میزان مشارکت است. به نظر می‌رسد افراد و محلات فقیر و کم‌درآمد فارغ از هیاهوی سیاسی، همیشه انتخابات را فرصت مناسبی برای ایجاد تغییر در زندگی و محل سکونت خویش می‌دانند و سعی می‌کنند حضوری جدی و معناداری داشته باشند. بنابراین، توجه به افزایش کیفیت محیط زندگی در محله‌های کم‌برخوردار می‌تواند زمینه‌ساز افزایش میزان مشارکت سیاسی شهروندان و ارتقاء جایگاه شورای شهر محسوب شود. مهاجرت شاخص دیگری بود که مورد بررسی قرار گرفت، نتایج نشان داده است که عامل مهاجرت تأثیر چندانی در افزایش میزان مشارکت سیاسی بر عهده ندارد، به نظر می‌رسد به دلیل سکونت مهاجرین در حواشی جنوبی و غربی شهر این افراد در زمان برگزاری انتخابات به زادگاه اصلی خود در روستاهای همجوار مراجعه نموده و مشارکت جدی‌تری را در آنجا رقم می‌زنند، در این خصوص، با بررسی آرای مأخوذه در روستاهای پیرامون شهر و مقایسه آنها با تعداد جمعیت واجد شرایط با اطمینان بیشتری می‌توان فرضیه مورد نظر را تأیید نمود. الگوی فضایی آرای متخین در قائمشهر بصورت خطی و از جنوب غربی به سمت شمال شهر کشیده شده است که تمرکز قابل ملاحظه‌ای در بخش میانی آن مشاهده می‌شود. این امر نشان می‌دهد کاندیداهای منتخب افرادی هستند که در این محلات شهری سکونت دارند یا مورد اقبال افرادی از این مناطق قرار گرفتند. به نظر می‌رسد علت تمرکز در بخش میانی را بتوان در چارچوب تئوری زادشهری (Nikpour et al., 2016: 305) تبیین نمود که بر اساس آن رفتار سیاسی شهروندان تحت تأثیر همسایگی قرار می‌گیرد. تحلیل عوامل مختلف در بررسی الگوی مشارکت سیاسی شهروندان به وضوح نشان می‌دهد با سنجش و ارزیابی یک متغیر یا عامل به تنهایی نمی‌توان الگوی مشخصی از میزان مشارکت و نحوه آن را تبیین نمود، بلکه باید مجموعه‌ای از عوامل در کنار هم دیده شوند، و مهمتر از همه اینکه باید در نظر داشت تمایل و انگیزه انتخاب مردم از یک سو برخاسته از نیازهای اجتماعی بوده و از سوی دیگر آرمان‌ها و ارزش‌های مورد انتظار را به منصف ظهور می‌رساند.

کتابنامه

1. Bartle, J., Birch, S., & Skirmuntt, M. (2017). The local roots of the participation gap: Inequality and voter turnout. *Electoral Studies*, 48, 30–44.
2. Biabangard, A. (2011). Investigating the Factors Affecting the Rural Political Participation from 2008 on "Emphasizing on Rural Council Elections". *Master Thesis. University of Tehran*. [In Persian]
3. Bracco, E., & Revelli, F. (2018). Concurrent elections and political accountability: Evidence from Italian local elections. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 148, 135–149.
4. Cancela, J., & Geys, B. (2016). Explaining voter turnout: A meta-analysis of national and subnational elections. *Electoral Studies*, 42, 264–275.
5. Cebula, R. J. (2017). Unemployment and voter turnout revisited: A brief note. *Electoral Studies*, 48, 149–152.
6. Darabi, A. (2008). Sociology of Elections and Electoral Behavior in the Islamic Republic of Iran. *Journal of Political Studies*. 2, 67-102. [In Persian]
7. Durán, G., Giormenti, M., Guajardo, M., Pinto, P. M., Rey, P. A., & Stier-Moses, N. E. (2018). Improving access to voting with optimized matchings. *Electoral Studies*, 51(September 2017), 38–48.
8. Förster, A. (2018). Ethnic heterogeneity and electoral turnout: Evidence from linking neighbourhood data with individual voter data. *Electoral Studies*, 53(March 2017), 57–65.
9. Hashemi, S. Z., Fouladian, M., & Fatemiamin, Z. (2009). Investigating the Social and Psychological Factors Affecting the Political Participation of the People of Tehran. *Journal of Political Science*. 5 (1). 199-226. [In Persian]
10. Jafarinia, GH. (2012). Investigation of socio-economic factors affecting the political participation of citizens of Khormoj city. *Journal of Political Science* 7 (2). 87-122. [In Persian]
11. Jensen, C., & Jespersen, B. B. (2017). To have or not to have: Effects of economic inequality on turnout in European democracies. *Electoral Studies*, 45, 24–28.
12. Johnston, R., Jones, K., & Manley, D. (2018). Age, sex, qualifications and voting at recent English general elections: An alternative exploratory approach. *Electoral Studies*, 51(February 2017), 24–37.
13. Kavianirad, M. & Veysi, H. (2009). Neighborhood Impact on Iranian Elections Case Study: First Round of the 9th Presidential Election in Iran. *Journal of Geopolitics*. 4 (3). 1-20. [In Persian]
14. Kavianirad, M. (2014). Spatial Distribution of Public Presence in the Eleventh Presidential Election, *Strategic studies quarterly*. 63. 37- 62. [In Persian]
15. Lalemi, SH., Bagheri A. (2004). From the City Council to the municipality Council. *Aeen*, 5. 81-83. [In Persian]
16. Lappie, J., & Marschall, M. (2018). Place and participation in local elections. *Political Geography*, 64, 33–42.

17. Mansley, E., & Demšar, U. (2015). Space matters: Geographic variability of electoral turnout determinants in the 2012 London mayoral election. *Electoral Studies*, 40, 322–334.
18. Martinez i Coma, F., & Nai, A. (2017). Ethnic diversity decreases turnout. Comparative evidence from over 650 elections around the world. *Electoral Studies*, 49, 75–95.
19. Michael, R. (1992). Politics and Society: An Introduction to Political Sociology, 8(2), 63–74.
20. Mohammadiasl, A. (2004). Elections and Political Participation. Report. 161. 26, 27.
21. Naghibzadeh, A. (1994). Government in Europe. Samt. Tehran. [In Persian]
22. Nasiri, E., Kamasi, H., & Ahmadi, A. (2014). Analyzing Citizens' Electoral Behavior in City Council Elections (Case Study: Sangher City). *Urban Management Studies*. 20. 45-53. [In Persian]
23. Nikpour, A., Pati, F. M., & Safaie, M. R. (2016). Spatial analysis of political participation pattern in the fourth City Council elections (2013), Amol. *Geographical urban planning research*. 4 (3). 299-322. [In Persian]
24. Rahnavard, F. & Mahdavi, N. (2010). Election Management. *Publication of Information*.
25. Safarishali, R. (2015). Investigating Iranian Voting Behavior in Parliamentary Elections. *Journal of Strategic Studies*. 18 (3). 37-61. [In Persian]
26. Stockemer, D., & Scruggs, L. (2012). Income inequality, development and electoral turnout - New evidence on a burgeoning debate. *Electoral Studies*, 31(4), 764–773.
27. Yves, Lacoste. (2012). From Geopolitics to landscape "Geography Culture". *Papoli publication*.
28. Zarghani, H. & Razavinejad, M. (2016). Investigating and Analyzing the Spatial Pattern of the Distribution of the Eleventh Presidential Elections in Iran. *Journal of Geopolitics*, 12 (2). 73-104. [In Persian]